

*Two seasons of a promotion,
The Quran and Science studies*

*Vol.2, No. 3,
Spring & Summer 2018
P 145 - 183*

دو فصل نامه علمی-تخصصی

مطالعات قرآن و علوم

س ۲ ش ۳ بهار و تابستان ۱۳۹۷

صفحات ۱۴۵ تا ۱۸۳

بررسی سرمایه اجتماعی (Social capital) در قرآن کریم

سید محمدحسین وحیدی*

چکیده

مفهوم سرمایه اجتماعی از جمله مفاهیم مشترکی است که در حوزه‌های گوناگون علوم اجتماعی، اقتصاد و اخیراً در حوزه علم مدیریت مطرح شده و ثابت گردیده است که یکی از ابعاد مهم هر توسعه‌ای، توجه به آن می‌باشد. از این رو سرمایه اجتماعی، یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های رشد و توسعه هر جامعه‌ای به شمار می‌آید. مفهوم سرمایه اجتماعی در برگزیده مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و همیاری میان اعضای یک گروه، سازمان یا یک جامعه است که نظام هدفمندی را شکل می‌دهند و آن‌ها را در جهت دستیابی به اهداف ارزشمند هدایت می‌کنند. آنچه سبب تشکیل سرمایه اجتماعی می‌شود می‌توان عواملی را دانست که سبب جمع شدن افراد در کنار یکدیگر می‌شود مانند اعتماد و... یکی از عوامل مهم آن از نظر فرهنگ دینی، دین و مذهب و اعتقادات است. نگرش اسلام به سرمایه اجتماعی، به‌عنوان سرمایه‌ای که بدون آن، پیمودن راه‌های

* دانش آموخته دکتری قرآن و علوم (گرایش مدیریت) جامعه المصطفی العالمیه (ص)، مجتمع آموزش

عالی امام خمینی (ره)؛ مدرسه عالی قرآن و حدیث، hv_۱۳۵۵@yahoo.com

توسعه و تکامل سازمان‌های فرهنگی و... ناهموار و دشوار شده و استفاده از دیگر سرمایه‌ها به‌طور بهینه انجام نخواهد شد، در مدیریت اسلامی به‌عنوان یک اصل اساسی برای نیل به توسعه پایدار قلمداد می‌شود تا با اتخاذ سیاست‌های لازم و ارائه راهکارهای مناسب در ارتباط با جامعه به تولید و توسعه سرمایه اجتماعی بیشتر نائل شوند. در این مقاله سعی بر آن است تا پس از بررسی تاریخیچه و مبانی سرمایه اجتماعی، دیدگاه قرآن کریم نسبت به آن در حوزه مدیریت و در سه سطح فردی، گروهی و سازمانی ارائه و تبیین گردد.

واژگان کلیدی: سرمایه، سرمایه اجتماعی، هنجار، فرهنگ سازمانی.

مقدمه

در نگارش‌های نوین مدیریت، موضوع سرمایه اجتماعی که صبغه‌ای جامعه‌شناسانه دارد، به‌عنوان یک اهرم توفیق‌آفرین مطرح و مورد اقبال فراوان نیز واقع شده است. سرمایه اجتماعی بستر مناسب سرمایه انسانی و فیزیکی، راهی برای نیل به موفقیت قلمداد شده و مدیران و کسانی که بتوانند در سازمان، سرمایه اجتماعی ایجاد کنند، راه کامیابی شغلی و سازمانی خود را هموار می‌سازند. از سوی دیگر، سرمایه اجتماعی به زندگی فرد، معنی و مفهوم بخشیده و زندگی را ساده‌تر و لذت بخش‌تر می‌سازد. امروزه سرمایه اجتماعی، نقشی بسیار مهم‌تر از سرمایه فیزیکی و انسانی در سازمان‌ها و جوامع ایفا می‌کند و شبکه‌های روابط جمعی و گروهی، انسجام بخش میان انسان‌ها، سازمان‌ها و انسان‌ها و سازمان‌ها با سازمان‌ها می‌باشد. در غیاب سرمایه اجتماعی، سایر سرمایه‌ها اثربخشی خود را از دست داده و بدون سرمایه اجتماعی، پیمودن راه‌های توسعه و تکامل فرهنگی و اقتصادی ناهموار و دشوار می‌شوند.

سرمایه اجتماعی در واقع ایده جدیدی نیست بلکه شرایطی که موجب شده است این مفهوم به گونه‌ای مطرح شود تا مردم به آن فکر کرده و اهمیت و فایده آن را تشخیص دهند، نو است. سرمایه اجتماعی به عنوان روابطی که افراد با هم ایجاد می‌کنند در دهه ۱۹۹۰ مفهوم مهمی شد و در رشته‌های علوم اجتماعی مورد توجه قرار گرفت. با زمینه مساعدی که از وجود مباحث اجتماعی در حوزه سازمان و مدیریت از گذشته وجود داشته، بررسی سرمایه اجتماعی در این محدوده و استفاده از آن در مطالعات سازمانی به سرعت افزایش یافته است.

سرمایه اجتماعی سازمانی، به عنوان منبع ناشی از روابط اجتماعی درون سازمان تعریف می‌شود که از طریق گرایش به هدف جمعی و اعتماد مشترک سطوح اعضا مشخص شده است. سرمایه اجتماعی به عنوان ویژگی جمعی، محصول فرعی فعالیت‌های سازمانی دیگری است که مکمل عمل جمعی محسوب می‌شوند و به عنوان پدیده‌های مدیریتی دارای ویژگی‌های اعتماد، هنجارها، ارزش‌ها و رفتارهای مشترک، ارتباطات، همکاری، تعهد متقابل، شناخت متقابل و شبکه‌ها است.

۱- مفهوم شناسی

اصطلاح «سرمایه» به ثروت انباشته، به ویژه آنچه برای تولید ثروت بیشتر به کار می‌رود، اطلاق می‌شود.

۱۴۷

واژه «اجتماعی» در سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد که منابع موجود درون شبکه‌های کسب و کار یا شبکه‌های فردی، دارایی‌های شخصی محسوب نمی‌شوند، ملکیتی مشاع داشته و هیچ فردی به تنهایی مالک آن‌ها نیست. این منابع درون شبکه‌های روابط قرار گرفته‌اند.

اگر سرمایه انسانی آن چیزی باشد که انسان می‌داند (مجموع دانش، مهارت‌ها و تجارب)، سرمایه اجتماعی روابطی است که انسان با کسانی که می‌شناسد برقرار می‌کند؛ یعنی اندازه، کیفیت و گوناگونی شبکه‌های کسب و کار و شبکه‌های ارتباطی شخصی که انسان در آن نقش دارد؛ اما فراتر از آن، سرمایه اجتماعی به کسانی که انسان نمی‌شناسد نیز بستگی دارد، البته در صورتی که به‌طور غیر مستقیم و به‌وسیله شبکه‌ها با آن‌ها در ارتباط باشد (و این بیکر، ۱۳۸۲: ۱۵).

مفهوم سرمایه نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی مانند سرمایه انسانی یا سرمایه اقتصادی ماهیتی زاینده و مولد دارد، یعنی انسان را قادر می‌سازد ارزش ایجاد کند؛ کارها را انجام دهد، به اهدافش برسد، مأموریت‌هایش را در زندگی به اتمام برساند و به سهم خود به دنیایی که در آن زندگی می‌کند کمک کند (همان: ۱۶).

هنجارها، استانداردهای رفتاری مورد پذیرشی که میان کلیه اعضای گروه مشترک است. هنجارها به اعضای گروه نشان می‌دهند که در اوضاع و احوال مشخص به چه کارهایی باید یا نباید دست بزنند. هنگامی که هنجارها مورد توافق اعضای گروه قرار گرفت و از طرف آن‌ها پذیرفته شد، به صورت وسیله‌ای برای اعمال نفوذ بر رفتار اعضای گروه با حداقل استفاده از کنترل‌ها خارجی عمل می‌کنند هنجارها میان گروه‌ها، مجامع و جوامع تفاوت می‌کنند اما همگی آن‌ها دارای هنجار هستند. هنجارها به اعضای گروه نشان می‌دهند در اوضاع و احوال مشخص به چه کارهایی باید یا نباید دست بزنند (رابینز، ۱۳۸۹: ۲۲۵).

فرهنگ‌سازمانی، به نظامی از معانی مشترک اطلاق می‌شود که اعضای یک سازمان بدان‌ها باور دارند و این سازمان را از سازمان‌ها دیگر متمایز می‌سازد. این نظام معنی

مشترک، در واری دقیق‌تر، مجموعه‌ای از ویژگی‌های عمده‌ای است که سازمانی برای آنها ارزش قائل است (همان/۴۲۴).

۱-۱- تاریخچه سرمایه اجتماعی

اصطلاح سرمایه اجتماعی را برای اولین بار هانیفان مربی جوان اصلاح طلب اجتماعی در اثری در سال ۱۹۱۶ به کار برد. او که احساس کرده بود زندگی اجتماعی به سوی انزوای خانواده و رکود اجتماع پیش می‌رود، با تأکید بر اهمیت تجدید حیات تعهد اجتماعی برای حفظ دموکراسی، اصطلاح سرمایه اجتماعی را وضع کرد. در توضیح او درباره سرمایه اجتماعی تقریباً عناصر اصلی تفسیرهای بعدی این اصطلاح به کار رفته است، اما ظاهراً مفهوم ابداعی او توجه سایر صاحب‌نظران را جلب نکرد و بدون اثر ناپدید شد.

جین جاکوبز در دهه ۱۹۶۰ برای تأکید بر ارزش جمعی پیوندهای دوستانه غیر رسمی در کلان شهرهای مدرن از این اصطلاح استفاده کرد و در دهه ۱۹۷۰ گلن لوری، اقتصاددان، برای روشن کردن علل عدم دسترسی آفریقایی امریکاییها به پیوندهای اجتماعی وسیع‌تر به‌عنوان یکی از مودیان‌ترین میراث‌های برده‌داری و تبعیض نژادی از این اصطلاح بهره برد.

پیر بوردیو، نظریه‌پرداز اجتماعی فرانسوی، در دهه ۱۹۸۰ سرمایه اجتماعی را به‌عنوان یکی از اشکال سرمایه مطرح کرد؛ و سرانجام جیمز کلمن، جامعه‌شناس آمریکایی این اصطلاح را در برنامه کار فکری خود، در اواخر دهه ۱۹۸۰ قرار داد و مانند هانیفان برای روشن کردن محتوای آموزش و پرورش از آن استفاده کرد و از آن پس بسیاری از دانشمندان موضوع سرمایه اجتماعی را مورد بحث و بررسی قرار دادند. در این زمینه نظریه‌های مختلف مطرح شده و پژوهشگران موضوع را بررسی و ارتباط آن را با سایر مسائل و موضوع‌های اجتماعی مطالعه کرده‌اند (پیراهری، ۱۳۸۸: ۱۱۰-۱۱۱).

سرمایه اجتماعی اساساً در دهه ۱۹۹۰ مفهوم مهمی شد، و در رشته‌های علوم اجتماعی بسیار مورد توجه قرار گرفت، در اسناد و گفتمان این رشته‌ها وارد شد، وعده زیادی از جامعه شناسان، علمای سیاست و اقتصاددانان برای یافتن پاسخ‌های سؤال‌های متعددی که در رشته‌های خود با آن‌ها مواجه بودند، به مفهوم سرمایه اجتماعی متوسل شدند (دینی ترکمانی، ۱۳۸۶: ۱۴۹).

۲-۱- ورود نظریه سرمایه اجتماعی در حوزه مدیریت

در حوزه سازمان و مدیریت نیز، توجه صاحب‌نظران به نیازها و مسائل اجتماعی، از زمان‌های گذشته، زمینه مساعدی برای گسترش مباحث سرمایه اجتماعی ایجاد کرده است.

از وظایف مدیر ناشی از رهیافت سیستم‌های تحلیل چستر بارنارد (۱۸۸۶-۱۹۶۱) وظایف اجتماعی است. از نظر بارنارد سازمان رسمی نظام کوشش‌ها یا نیروهای هماهنگ شده آگاهانه دو یا چند شخص است. او اعتقاد داشت یک سازمان زمانی پدید می‌آید که افرادی که آن را تشکیل داده‌اند برای رسیدن به یک هدف همگانی و مشترک آماده گفت و شنود با یکدیگر و آماده همکاری باشند. سرزندگی و توان زیستن سازمان‌ها در گرو آمادگی افراد برای داری دادن نیروها به نظام همکاری است. او تأکید می‌کند که وظیفه مدیران حفظ نظام تلاش‌های همکارانه در یک سازمان رسمی است.

در مطالعات هاثورن (۱۹۲۷ - ۱۹۳۲) پس از آنکه یافته‌ها از توضیح روابط مورد انتظار بین شرایط کار و بهره‌وری بازماند، محققان به عوامل غیر رسمی یا اجتماعی که ممکن بود کارگران را تحت تأثیر قرار داده باشد، توجه کردند. این مطالعات نشان داد که سازمان‌ها افزون بر جنبه اقتصادی، دارای جنبه‌های اجتماعی و احساسی نیز هستند، و

رعایت افراد و احترام به انسان به‌عنوان انسان، همان اندازه که اوقات استراحت، شرایط فیزیکی کار، یا حتی پول برای بهره‌وری اهمیت دارند، از اولویت برخوردارند. حاصل این مطالعات، شناخت نیازهای اجتماعی، هویت یافتن افراد در مناسبات اجتماعی، اهمیت پاداش‌های اجتماعی و روانی، و پاسخگویی و تعهد کارکنان نسبت به ارضای نیازهای اجتماعی آن‌ها بود.

دیدگاه داگلاس مک‌گریگور (۱۹۰۶-۱۹۶۴) درباره ماهیت رفتار انسان به صورت دو نظریه پیش فرض‌های اساسی سنتی درباره رفتار انسان و نظریه پیش فرض‌های ناشی از علوم اجتماعی جدید درباره رفتار انسان مطرح شده است. از نظر او مدیریت باید با این سؤال اساسی آغاز شود که مدیران خود را در رابطه با دیگران چگونه مشاهده می‌کنند. این دیدگاه مستلزم تفکراتی درباره استنباط ماهیت انسان است (فقیهی، فیضی: ۱۳۸۵: ۷۲/۲۶-۲۷).

بلیکو موتون در نظریه «شبکه مدیریت»، ضمن تشریح سبک‌های مختلف مدیریت، سبک مدیریت تیمی را مطلوب می‌داند، زیرا این سبک مدیریت هم به کار و هم به انسان توجه زیاد دارد. این سبک مدیریت بر وابستگی متقابل و اعتماد و احترام بین مدیران و کارکنان در پیگیری اهداف سازمان تأکید دارد، بنابراین موجب موفقیت، بهره‌وری و کارایی بیشتر می‌شود.

۱۵۲

کریس آرچریس بر یادگیری درباره «خود» و دیگران تأکید و اعتقاد دارد، تعهد به آموختن بر نوعی رابطه دلالت دارد که متضمن معنای مشترکی است و نه تنها احتمال ایجاد شرایط اعتماد، گشودگی و عزت نفس را در بر دارد، بلکه شرایط مراوده اجتماعی عام را نیز ایجاد می‌کند. او اعتقاد دارد اگر امروز اکثر سازمان‌ها از بی‌اعتمادی، ارتباطات بسته و رسمیت بیش از حد رنج می‌برند، باید تغییراتی در

راستای اعتماد متقابل شخصی بیشتر، ارتباطات بازر، انعطاف‌پذیری شخصی و سازمانی بیشتر ایجاد کرد. او اعتقاد دارد که باید الگوهای سنتی محو و الگوهای جدید اقتباس و تثبیت شود (همان: ۲۷). در دهه ۱۹۸۰ رویکردهای تحول سازمانی که در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ بسیار رونق داشت در بسیاری از سازمان‌ها اعتبار خود را از دست داد. برنامه‌های تحول سازمانی معمولاً دو هدف داشتند: اصلاح عملکرد افراد، تیم‌ها، و کل سازمان؛ و انتقال مهارت‌ها و دانش ضروری تا اعضای سازمان را برای اصلاح دائمی عملکردشان در سازمان توانمند سازند. در دهه ۱۹۹۰ اندیشه‌های تحول سازمانی به شکل سازمان یادگیرنده تجدید حیات یافت.

جنبش سازمان یادگیرنده فرضیه‌های خوش‌بینانه‌ای داشت، و بر این باور بود که با توجه به تیم‌ها و کل سازمان، می‌تواند سطح جدیدی از آموزش جمعی پدید آورد که در جهت بهتر شدن سازمان، تغییرات اساسی در آن ایجاد کند؛ زیرا در سازمان‌های یادگیرنده افراد به‌طور مستمر توانایی‌های خود را افزایش می‌دهند تا به نتایجی که مورد نظرشان است برسند. در این سازمان‌ها الگوهای جدید تفکر پرورش می‌یابد، اندیشه‌های جمعی و گروهی ترویج می‌شود، و افراد چگونه آموختن را به‌اتفاق هم یاد می‌گیرند. در اواخر دهه ۱۹۹۰ نسبت به اعتبار هدف سازمان‌های یادگیرنده تردیدهای فزاینده‌ای ایجاد شد. بسیاری از سازمان‌ها این اصطلاح را از بیانیه‌های راهبرد و گزارش‌های سالانه رؤسای خود حذف کردند.

به دلیل آنکه مفهوم روشنی نبود و به نظر می‌رسید در مواجهه با بی‌رحمی موقعیت اقتصادی بسیار خام و سست است. باوجودی که استفاده از این فنون و نظریه‌ها در سازمان‌ها کمتر شده است، ولی سازمان‌ها هنوز می‌توانند به خود ببالند که «افراد بزرگ‌ترین دارایی آنهاست» روند جدید که به نظر می‌رسد برای رهبران کسب و کار

جالب باشد، استفاده از مفهوم سرمایه درباره افراد و به‌ویژه اندیشه سرمایه اجتماعی است که توجه مدیران عالی سازمان‌ها را به خود جلب کرده است چنین زمینه مساعدی از وجود مباحث اجتماعی در محدوده سازمان، شرایط رویکرد به سرمایه اجتماعی را در سازمان و مدیریت فراهم کرده و بررسی سرمایه اجتماعی و استفاده از آن در مطالعات سازمانی نیز به‌سرعت افزایش یافته است. اهمیت سرمایه اجتماعی در مطالعات سازمان‌ها و تبیین موقعیت نسبی نقش آفرینان در بسیاری از حوزه‌های مورد توجه در تحقیقات سازمان تأیید شده است (همان: ص ۲۸).

۳-۱- تبیین مختصری از نظریه‌های سرمایه اجتماعی

۱) پیر بوردیو (Pierre Bourdieu: ۱۹۳۰-۲۰۰۲): به نظر بوردیو، سرمایه اجتماعی جمع منابع واقعی یا بالقوه‌ای است که حاصل از شبکه‌ای^۱ با دوام از روابط کمابیش نهادینه‌شده، آشنایی و شناخت متقابل یا به بیان دیگر عضویت در یک گروه است. شبکه‌ای که هر یک از اعضای خود را از پشتیبانی سرمایه جمعی برخوردار می‌کند و آنان را مستحق اعتبار می‌سازد (تاج‌بخش، ۱۳۸۴: ۱۴۷). به نظر وی سرمایه اجتماعی، به‌عنوان شبکه‌ای از روابط، یک ودیعه طبیعی یا حتی یک ودیعه اجتماعی نیست، بلکه چیزی است که در طول زمان و با تلاش بی‌وقفه به دست می‌آید؛ به عبارت دیگر شبکه روابط، محصول راهبردهای سرمایه‌گذاری فردی یا جمعی آگاهانه یا ناخودآگاه است که هدفش ایجاد یا بازتولید روابط اجتماعی است که مستقیماً در کوتاه‌مدت یا بلندمدت قابل استفاده هستند.

^۱. شبکه، گروهی از عاملان منفردی است که در هنجارها یا ارزش‌های فراتر از ارزش‌ها و هنجارهای لازم برای داد و ستدهای متداول بازار، مشترک هستند.

کاربرد سرمایه اجتماعی در نزد بورديو بر این درک استوار است که افراد چگونه با سرمایه‌گذاری بر روابط گروهی، وضعیت اقتصادی خود را در یک فضای اجتماعی سلسله‌مراتبی (جامعه سرمایه‌داری) بهبود می‌بخشند. از این جهت می‌توان رویکرد او را ابزاری، فردگرا و متأثر از تئوری سرمایه مارکس و بیشتر تضادگرا تلقی کرد (توسلی، ۱۳۸۴: ۱۰). از منظر بورديو سرمایه اجتماعی به ارتباطات و مشارکت اعضای یک سازمان توجه دارد و می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای رسیدن به سرمایه‌های اقتصادی باشد. بورديو درگیر ایده‌هایی بود که عمیقاً از مفاهیم مارکسیستی تأثیر پذیرفته بودند. وی سرمایه اقتصادی را ریشه انواع سرمایه‌ها می‌دانست و علاقه‌مند به درک شیوه‌های ترکیب این سرمایه با دیگر اشکال سرمایه و ایجاد و تولید نابرابری بود (فیلد، ۱۳۸۶: ۲۳).

بورديو سرمایه را به سه نوع تقسیم و آن‌ها را به شرح زیر توصیف می‌نماید:

۱. سرمایه اقتصادی که قابل تبدیل شدن به پول است و می‌تواند به شکل حقوق مالکیت نهادینه شود.
۲. سرمایه فرهنگی: سرمایه فرهنگی شکل گرفته از طریق شرایط خانوادگی و آموزش مدرسه‌ای، می‌تواند تا حدی مستقل از دارایی‌های مادی عمل کند و حتی کمبود پول را که قسمتی از استراتژی فرد برای تعقیب قدرت و جایگاه اجتماعی است جبران کند.

۳. سرمایه اجتماعی: مجموعه‌ای از منابع مادی یا معنوی است که به یک فرد یا گروه اجازه می‌دهد تا شبکه پایداری از روابط کم و بیش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل را در اختیار داشته باشند (همان).

۲) جیمز کلمن (James Samuel Coleman: ۱۹۲۶-۱۹۹۵)؛ به نظر کلمن سرمایه اجتماعی با کارکردش تعریف می‌شود. سرمایه اجتماعی شی واحدی نیست بلکه انواع چیزهای گوناگونی است که دو ویژگی مشترک دارند:

الف) همه آن‌ها شامل جنبه‌ای از یک ساخت اجتماعی هستند (عناصر و پیوندهایی که حیات اجتماعی را تداوم می‌بخشند).

ب) واکنش‌های معین افرادی را که در درون ساختار هستند اعم از اشخاص حقیقی یا عاملان حقوقی، تسهیل می‌کند و دستیابی به هدف‌های معین را که در نبود آن دست‌نیافتنی خواهند بود، امکان‌پذیر می‌سازند (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۲).

سرمایه اجتماعی ویژگی‌های معینی دارد که آن را از کالاهای خصوصی که در نظریه اقتصاد نئوکلاسیک بحث می‌شود، متمایز می‌سازد. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از:

۱. به آسانی مبادله نمی‌شود، اگرچه این سرمایه منبعی است که ارزش استفاده دارد.

۲. سرمایه اجتماعی دارایی شخصی هیچ یک از افرادی که از آن سود می‌برند نیست و این به واسطه صفت کیفی ساختار اجتماعی است که فرد در آن قرار گرفته است.

۳. نتیجه فرعی فعالیت‌های دیگر است و معمولاً شخص خاصی آن را به وجود نمی‌آورد.

۴. سرمایه اجتماعی در صورت استفاده بیشتر، برخلاف بعضی اشکال دیگر سرمایه، نه تنها مستهلک نمی‌شود بلکه افزایش می‌یابد (همان: ۴۸۲).

کلمن تحت تأثیر کاربرد نظریه انتخاب عقلانی در تبیین رفتار، بر منافع فردی سرمایه اجتماعی تأکید می‌کند. وی نظریه انتخاب منطقی را قبول دارد و به درستی مهم‌ترین

شخصی است که باعث رشد این نظریه در جامعه‌شناسی معاصر شد (نظریه انتخاب منطقی باور دارد که تمام رفتارها از تعقیب افراد برای سودشان سرچشمه می‌گیرد) بنابراین از نگاه کلمن تعامل اجتماعی به‌عنوان شکلی از مبادله در نظر گرفته می‌شود و سرمایه اجتماعی برای او، وسیله‌ای جهت تبیین نحوه همکاری و تعاون افراد با یکدیگر برای کسب سود است. نتیجه اینکه او بر سودمندی سرمایه اجتماعی تأکید می‌ورزد؛ و آن را منبعی برای همکاری، روابط دو جانبه و توسعه اجتماعی می‌داند (فیلد، ۱۳۸۶: ۲۴).

به نظر کلمن سازمان اجتماعی، سرمایه اجتماعی را پدید می‌آورد و دستیابی به هدف‌هایی را که در نبود آن نمی‌توانست به دست آید یا با هزینه زیادتری ممکن بود به دست آید، تسهیل، می‌کند (کلمن، ۱۳۷۷: ۴۶۴).

از نظر وی سرمایه اجتماعی یک منبع است زیرا متضمن شبکه‌های مبتنی بر اعتماد و ارزش‌های مشترک می‌باشد و در مقاله‌ای سرمایه اجتماعی را منبعی مفید تعریف می‌کند که از طریق اتصالات اجتماعی برای کنشگر قابل استفاده است و در جایی دیگر آن را یک کالای عمومی می‌نامد (فیلد، همان).

(۳) رابرت پاتنام (**Robert David Putnam: ۱۹۴۱**)؛ پاتنام مفهوم سرمایه

اجتماعی را فراتر از سطح فردی به کار می‌گیرد و به چگونگی کارکرد سرمایه اجتماعی در سطح منطقه‌ای و ملی و نوع تأثیرات سرمایه اجتماعی بر نهادهای دموکراتیک و در نهایت توسعه اقتصادی علاقه‌مند است (توسلی، ش ۲۶: ص ۱۵).

پاتنام سرمایه اجتماعی را آن دسته از عناصر و ویژگی‌های نظام اجتماعی (مانند اعتماد اجتماعی، هنجارهای معامله متقابل و شبکه‌های اجتماعی) می‌داند که هماهنگی و

همکاری را در بین افراد یک جامعه برای دستیابی به سود متقابل تسهیل می‌کند (غریبی، نشریه نامه علوم اجتماعی، ش ۲، ۱۳۸۹، ص ۱۳۸).

او برای فهم و ارزیابی سرمایه اجتماعی به چهار وجه تمایز اشاره دارد. پاتنام در این رابطه، سرمایه اجتماعی رسمی را در مقابل غیررسمی (انجمن‌ها یا مهمانی‌های دوره‌ای)، سرمایه اجتماعی مترکم در مقابل سرمایه اجتماعی پراکنده و ضعیف، سرمایه اجتماعی درون‌نگر در مقابل برون‌نگر (برحسب اختصاص منافع به افراد غیر عضو یا عموم مردم) و نهایتاً سرمایه اجتماعی محدود (بین افراد شبیه از نظر قومیت، سن و ...) در مقابل اتصالی (بین افراد غیرمشابه) مطرح می‌سازد (توسلی، موسوی، نشریه نامه علوم اجتماعی، ۱۳۸۴: ش ۲۶، ۱۷).

سرمایه اجتماعی وجوه گوناگون سازمان اجتماعی، نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌هاست که می‌توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارآیی جامعه را بهبود بخشد. سرمایه اجتماعی نیز مانند سایر سرمایه‌ها مولد است و امکان دستیابی به اهداف مشخص را فراهم می‌کند که بدون آن غیر قابل دسترس خواهند بود (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۵).

به تعبیر پاتنام همکاری و تعاون داوطلبانه در جایی که ذخیره و انباشت اساسی از سرمایه اجتماعی در قالب قواعد مبادله و شبکه‌های تعهد مدنی وجود داشته باشد به‌آسانی صورت می‌گیرد. در واقع این مفهوم، سرمایه اجتماعی به پیوندهای میان اعضای یک شبکه به‌عنوان منبع با ارزش اشاره دارد که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل موجب تحقق اهداف اعضا می‌شود (ازکیا، غفاری، ۱۳۸۳: ۲۷۹).

نقطه اشتراک تعریف پاتنام از سرمایه اجتماعی با تعریف کلمن در این خصوص آن دسته از ویژگی‌های سازمان اجتماعی است که هماهنگی و همکاری را برای سود

متقابل تسهیل می‌کند. این ویژگی‌ها عبارتند از: شبکه‌ها، هنجارهای معامله متقابل و اعتماد اجتماعی.

(۴) فرانسیس فوکویاما (Francis Fukuyama: ۱۹۵۱)؛ فوکویاما نیز مانند پاتنام، سرمایه اجتماعی را در سطح کلان (در سطح کشورها و در ارتباط با رشد و توسعه اقتصادی آنها) مورد بررسی قرار داده است و مؤلفه‌های مورد بحث پاتنام (شبکه‌های مشارکت مدنی، هنجارهای اعتماد و همیاری) در بحث وی نیز تکرار می‌شود.

وی برخلاف دیگر نظریه‌پردازان صرفاً بر خصلت جمعی سرمایه اجتماعی تأکید کرده و آن را به‌منزله دارایی گروه‌ها و جوامع تلقی کرده است (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۱۰).

به نظر وی سرمایه اجتماعی را به‌سادگی می‌توان به‌عنوان مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی (صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه) تعریف کرد که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است در آن سهیم هستند (همان: ۱۱). مهم‌ترین منابع سرمایه اجتماعی از نظر فوکویاما عبارت است از خانواده و هنجارهای اجتماعی (همان: ۹۷).

فوکویاما معتقد است سرمایه اجتماعی متعلق به گروه‌هاست نه افراد و هنجارهایی که شالوده سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند در صورتی معنی دارد که بیش از یک نفر در آن سهیم باشد. گروهی که دارای سرمایه اجتماعی می‌باشد، ممکن است به کوچکی دو دوست باشد که با یکدیگر تبادل اطلاعات می‌کنند یا در پروژه‌ای مشترکاً همکاری می‌کنند یا ممکن است در مقیاس بزرگ‌تری تمامی یک ملت باشد. فوکویاما برخی از کشورها را که از نظر فرهنگی یکسان هستند بر اساس سرمایه اجتماعی مقایسه می‌کند

و هدف او این است که به این سؤال پاسخ دهد: چرا برخی کشورها موفقیت اقتصادی بیشتری نسبت به سایر کشورها دارند.

او ادعا می‌کند در این کشورها سطوح بالای قابلیت اجتماعی (سرمایه اجتماعی) صداقت و اعتماد افراد را به انجام کارهای مشارکتی و تعاونی مشتاق می‌سازد و زمینه را برای رشد و ترقی فراهم می‌کند فوکویاما معتقد است جوامع مدرن به جای اینکه در صدد باشند که اخلاق اعضایشان را بهبود بخشند در جست و جوی تأسیس نهادهایی چون حکومت مکتبی بر قانون اساسی و مبادله مبتنی بر بازار آزاد هستند تا رفتارهای اعضای خود را نظام‌مند کنند (همان: ۱۱۳).

کلمن، پاتنام و فوکویاما معتقدند: هرچه سرمایه اجتماعی در گروه بیشتر، هزینه همکاری و تعامل کمتر در نتیجه عملکرد و دستیابی به اهداف بیشتر هرچه سرمایه اجتماعی در گروه کمتر، هزینه همکاری و تعامل بیشتر، در نتیجه عملکرد و دستیابی به اهداف کمتر با جمع بندی نظرات ابراز شده می‌توان سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از شبکه‌ها، هنجارها، ارزش‌ها و درکی دانست که همکاری درون گروه‌ها و بین گروه‌ها را در جهت کسب منافع متقابل تسهیل می‌کند و این نوع از سرمایه با نرخ مشارکت افراد در زندگی جمعی و وجود عامل اعتماد در بین آنان بیان می‌شود.

۱۶۰ ۱-۴- سطوح سرمایه اجتماعی

نظریه‌های سرمایه اجتماعی این مفهوم را در سه سطح بررسی کرده‌اند:

سطح فردی یا خرد: به طور معمول، هر یک از افراد جامعه در شبکه یا شبکه‌هایی عضویت دارند. منافع ناشی از این عضویت می‌تواند برای فرد مفید واقع شود. فوکویاما به این سطح دقت دارد.

سطح گروهی یا میانه: روابط مبتنی بر اعتماد میان اعضای گروه موجب تشکیل سرمایه اجتماعی می‌شود. این سرمایه در اختیار تمامی اعضای گروه قرار دارد تا از آن برای پیشبرد امورشان استفاده کنند. کلمن و پاتنام به این سطح پرداخته‌اند.

سطح اجتماعی یا کلان: تعداد زیاد گروه‌های داوطلبانه در جامعه و روابط افقی میان آن‌ها که مبتنی بر اعتماد است، سرمایه‌ای اجتماعی را تولید می‌کند که همه اعضای جامعه از آن بهره‌مند خواهند بود. فوکویاما، پاتنام و بوردیو به این سطح توجه داشته‌اند (برگرفته از کیا، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، ۱۳۸۷).

۱-۵- دسته بندی نظریه‌ها

نظریه‌های سرمایه اجتماعی را می‌توان به در دو دسته کلی زیر جمع نمود همانطور که شرح آن‌ها پیشتر آمد:

الف) به تعبیر بوردیو سرمایه اجتماعی به‌عنوان ویژگی فردی پتانسیل افراد برای فعالیت و مشارکت مؤثر در شبکه ارتباطات بر اساس شناخت متقابل در یک فضای اجتماعی و حفاظت از آن از طریق مبادلات نمادی و مادی است. بر این اساس سرمایه اجتماعی دارای‌های خوب خصوصی است که افراد آن‌ها را انباشت و از آن‌ها برای دستیابی به اهداف خود استفاده می‌کنند.

ب) پاتنام: «سرمایه اجتماعی یک صفت جامعه است که کیفیت شبکه‌ها و روابط، افراد را برای همکاری و کنش جمعی قادر می‌سازند». بر این اساس، سرمایه اجتماعی بر پایه درجه بالای اعتماد بین شخصی و به همان میزان ارزشمندی اعتماد نهادهای عمومی و سیاسی است که قواعد حقوقی را ایجاد و رعایت می‌کنند و همه مبادلات را شفاف و ایمن می‌سازند.

دو مشکل در آشتی دادن این دو مفهوم سرمایه اجتماعی وجود دارد. یکی مربوط به اقتصاددانان است که تمایل دارند عوامل مختلف در رشد اقتصادی و رفاه ملل را

شناسایی کنند و اغلب تفسیرهای پانتم درباره سرمایه اجتماعی را ترجیح می‌دهند، درحالی که جامعه‌شناسان تلاش برای تبیین بازتولید نابرابری را ترجیح می‌دهند و لذا تمایل به مفهوم‌سازی بوردیو و کلمن دارند. اقتصاد دانان سعی می‌کنند از متغیرهای سطح اعتماد و مشارکت اجتماعی استفاده کنند در حالی که جامعه‌شناسان از متغیرهایی چون منزلت اجتماعی، جایگاه فرد در ساختار قدرت و عضویت در شبکه‌های غیررسمی استفاده می‌کنند.

جمع‌بندی

به‌طور کلی می‌توان گفت که: سرمایه اجتماعی یک ظرفیت، جوهر اجتماعی یا هنجاری غیر رسمی است که همکاری میان افراد و نهادهای یک جامعه را ارتقا می‌بخشد. هر شبکه اجتماعی، برای دستیابی به اهداف خود، علاوه بر افراد آگاه و با تجربه و امکانات و ابزار مادی، به عواملی مانند: اعتماد، تعهد و مسئولیت‌پذیری و... هم نیاز دارد که این عوامل، همان سرمایه‌های اجتماعی هستند.

۲- مبانی فلسفی نظریه سرمایه اجتماعی

۲-۱- مبانی هستی‌شناسی

در این مبنا بحث از وجود است یعنی ماهیت وجود سازمان چیست؟ در این نظریه ما کل جامعه را به‌عنوان یک سازمان که موضوع علم مدیریت می‌باشد در نظر می‌گیریم این سازمان بزرگ دارای وجود واقعی بوده و خارج از ذهن می‌باشد.

مبانی هستی‌شناسی در این نظریه بر این پایه استوار است که هر چه هست در همین زندگی مادی خلاصه شده است و بر اساس مادیات تجزیه و تحلیل خواهد شد حتی اگر به اخلاق نیز اعتقادی داشته باشند در جهت منافع مادی است که عاید سازمان خواهد شد. واقعیت همان چیزی است که در جامعه قابل لمس و تجربه حسی است.

از سویی اجتماع بالطبع بر افراد مقدم است زیرا از آنجایی که فرد نمی‌تواند به‌تنهایی نیازهای زندگی خود را برآورده سازد، همان نسبتی را با جامعه دارد که جزء با کل؛ اما اگر کسی نتواند در جامعه زندگی کند، یا در خودکفا بودنش محتاج به اجتماع نباشد، جزئی از جامعه نیست؛ بنابراین تمام آدمیان طبعاً کششی به جانب اجتماع دارند و آن کس که نخستین بار اجتماعی برپا کرده است خالق بهترین خیرها بوده است.

۲-۲- مبانی معرفت‌شناسی

معرفت‌شناسی دانشی است که شناخت انواع معارف انسانی، مبادی و ابزار آنها، معیار و ملاک ارزشیابی و واقع‌نمایی آنها را تبیین می‌کند. از این رو، هسته مرکزی دانش معرفت‌شناسی را، باید تبیین توانایی عقل در رسیدن به واقع دانست؛ بنابراین گفتگو درباره عنصر عقل، انواع آن، حدود کاربرد هر یک و توانایی‌های آنها در کسب معارف گوناگون، در مباحث معرفت‌شناسانه جایگاهی ویژه را به خود اختصاص می‌دهد. هرگونه اتخاذ مبنا در حوزه معرفت‌شناسی، می‌تواند دیگر معارف بشری را در حوزه‌های دیگر علمی از خویش متأثر سازد.

۲-۳- مبانی روش‌شناسی

برای اینکه به آن معرفت برسیم از چه ترتیباتی استفاده می‌کنیم و از چه شیوه بررسی می‌توان به آن معرفت رسید؟ روش، به چگونگی استفاده از ابزار معرفت برای رسیدن به حقیقت گفته می‌شود.

مبنای روش‌شناسی نظریه سرمایه اجتماعی نیز بکار بست قواعد تجربی و عقلی است که البته توان کشف آن محدود می‌باشد.

۲-۴- مبانی انسان‌شناسی

ما در انسان‌شناسی دنبال شناخت انسان هستیم و از آنجا که انسان موجودی بسیار پیچیده و دارای ابعاد و شئون وجودی مختلف است که بررسی و تحقیق همه آنها در یک شاخه علمی امری ناممکن به نظر می‌رسد، هر شاخه‌ای از معرفت که به گونه‌ای ساحتی از ابعاد وجودی انسان را مورد بررسی قرار دهد، شایسته عنوان انسان‌شناسی خواهد بود. پس عنوان جامع انسان‌شناسی شامل همه شاخه‌های علمی خواهد بود که به بررسی و شناخت و تحلیل بعد یا ابعادی از ساحت‌های وجودی انسان یا گروه و قشر خاصی از انسان‌ها می‌پردازد.

در نظریه سرمایه اجتماعی، رویکرد فلسفی رابطه و ارتباطات است. بر اساس این نظریه، اصالت با جمع است نه فرد. شخصیت فرد با توجه به نوع جماعتی که در آن است شکل می‌گیرد که به نوعی اصالت رابطه است.

سرمایه اجتماعی بر پایه روابط اجتماعی بنا نهاده شده است که از فلسفه اصالت رابطه منعکس می‌شود. اولین انعکاس روابط انسانی در مکتب نئوکلاسیک و در مکتب روابط انسانی بوده است و تأثیر آن این بود که اولاً ما با رفتار فردی سرو کار نداریم و موجود رفتار کننده دیگر فرد نیست. پدیده‌های اتفاق افتاده منفصل از ۱*****۲ نبوده، بلکه گروه است. در مکتب روابط انسانی گروه مبنا است؛ و آنچه در سازمان اصالت دارد گروه می‌باشد. لذا گروه باید شناخته شده و فعال و انفعالات و رفتارهای آنها بررسی شود.

سیستم‌های اجتماعی که از قبل مطرح بوده است خود را به سازمان تطبیق داده و توسعه یافت و در مباحث جامعه‌شناسی مطرح گشت و از آنجا به حوزه مدیریت راه یافت.

رفتار انسان‌ها در قالب کنش و واکنش معرفی می‌شود و اگر در جامعه، از انسان‌ها رفتاری سر می‌زند به دلیل نگرشی است که در جهت منافع خود دارند. سرمایه اجتماعی به همان اندازه که می‌تواند قدرت عظیمی در جهت رسیدن سازمان به اهداف خود معرفی شود به همان اندازه می‌تواند مخرب باشد و آن در صورت تداخل منافع فردی و اجتماعی با منافع سازمانی می‌باشد.

مبانی: اولاً فرد و انسان موجودی است اجتماعی یعنی بر اساس اینکه با جمع چگونه باشد، شکل می‌گیرد یعنی ماهیت انسان از مجموعه‌ای که در آن است تجلی می‌یابد. تجلی فرد در جمع بوده و هر فردی منعکس کننده خصوصیات جامعه‌ای است که در آن عضویت دارد.

ثانیاً: این فرد با وجود صفت اختیاری که از آن بهره‌مند است، وقتی وارد اجتماع شد باید در صورت بروز شرایط، از برخی از اختیارات خود به نفع جمع چشم‌پوشی نموده و هم‌رنگ جماعت گردد ولو به نفع او نباشد.

ثالثاً: سرمایه اجتماعی به صورت مکانیکی عمل خواهد نمود یعنی قوانین حاکم بر آن به ما این امکان را خواهد داد تا اعمال آن را پیش بینی و کنترل نماییم.

علاوه بر موارد فوق مقولاتی همچون «آزادی»، «برابری» و... مقولات انسان‌شناختی جدیدی به شمار می‌روند که انسان عصر جدید هویت خویش را به کمک همین مقولات تعریف می‌کند و چون اصل بر این است که او طالب خودگردانی است، رام کردن سیاسی انسان واقعیتی ثانوی می‌شود که باید نه به حکم طبیعت، بلکه صرفاً از طریق وضع و «قرارداد» تضمین شود (دیرکس، ۱۳۹۱: ۱۰۱). سرمایه اجتماعی نیز نیاز به مدیریتی صحیح دارد که در قالب سیاست با توجه به مبانی انسان‌شناختی که ذکر شد اعمال خواهد گردد.

از سویی دیگر اوصافی همچون اجتماعی بودن، همه جانبه بودن و تاریخ‌مند بودن (گشوده بودن در برابر عالم)، آزاد بودن، عاقل بودن (توانایی بر اینکه بتواند اشیاء را متعلق شناخت و فعل خود قرار بدهد) و زبان و احساس داشتن از مبانی انسان‌شناختی است که عمدتاً از بعد فعالیت حسی و مادی‌اش مورد ملاحظه قرار می‌گیرد (همان: ۱۰۴).

۳- دیدگاه قرآن راجع به سرمایه اجتماعی

دیدگاه‌های علمی ارائه شده راجع به سرمایه اجتماعی با استفاده از ابزار عقل و تجربه بررسی شده است. قرآن کریم وحی را به‌عنوان ابزار و منبع معرفت معرفی می‌نماید. هرچند عقل و تجربه نیز از نگاه قرآن جایگاهی مورد قبول دارد.

در مورد عقل، روش‌شناسی استدلالی بکار خواهد رفت یعنی با استفاده از بدیهیات به گزاره‌های مستتج می‌رسیم و این استنتاج ادامه خواهد یافت و حد یقف ندارد. در روش‌شناسی تجربی بدون شک کمیت نقش فعالی دارد. برای استنباط از منبع وحی، از روش‌شناسی اجتهادی استفاده خواهد شد به این بیان که با استفاده از آیات به مدلول مطابقی و از آنجا به مدالیل التزامی پی خواهیم برد.

اولین گام برای تشکیل سرمایه اجتماعی، داشتن هدف است زیرا بدون هدف و در مسیر مبهم حرکت کردن چیزی جز سرگردانی و حیرت، عاید انسان نخواهد ساخت.

بشر برای پیشرفت و ترقی باید نقطه‌ای را به‌عنوان هدف برگزیند تا تمام تلاش و کوشش خود را در رسیدن به آن نقطه به کار بندد. قرآن کریم برای حرکت به‌سوی هدف بایدها، نبایدهایی را برای بشر وضع کرده است.

از آنجا که مجموعه بایدها و نبایدهای یک انسان مسلمان، در دو حوزه اعتقادی و رفتاری بررسی می‌شود، توجه به این مهم برای هر مسلمان در راستای آشنایی با معیارهای نخستین یک سرمایه اجتماعی مطلوب از دیدگاه قرآن امری ضروری محسوب می‌شود.

سیمای اخلاقی و رفتاری انسان در چهار حوزه اخلاق و رفتار فردی، اخلاق و رفتار اجتماعی، اخلاق و رفتار خانوادگی، اخلاق و رفتار سازمانی می‌باشد. تمام موارد چهارگانه را در دیدگاه سرمایه اجتماعی می‌توان جستجو کرد. در مورد نظریه سرمایه اجتماعی باید بر اساس آیات و روایات جامعه مطلوب و خصوصیات و ویژگی‌های آن را ارائه داد. بر این اساس با توجه به ابعاد سرمایه اجتماعی باید به دنبال رسیدن به جامعه‌ای بر اساس مؤلفه‌های دینی باشیم که خصوصیات آن از ناحیه وحی به ما رسیده است تا بتوانیم جامعه کنونی را با آن مقایسه و در مسیر رسانیدن به آن نقطه راهنمایی نموده و سوق دهیم. جامعه دینی که می‌تواند سرمایه عظیمی برای هر سازمان کوچک و بزرگی باشد دارای خصوصیات است که به برخی از آن‌ها به اختصار اشاره می‌شود.

۳-۱- سرمایه اجتماعی فردی از نظر قرآن

قرآن کریم در راستای به دست آوردن سرمایه اجتماعی، ابتدا به اصلاح و تثبیت عقاید مسلمانان پرداخته و بر آن تأکید می‌ورزد. باورها و اعتقادات در هر جامعه‌ای، ستون سرمایه‌های اجتماعی آن جامعه محسوب می‌گردد؛ زیرا تغییر ذهنیت سبب تغییر در عینیت رفتاری می‌شود. رفتارهایی مانند مدارا، بخشش، جوانمردی، احسان، مروت و همراهی و همیاری بازتاب ذهنیت‌ها و باورها است. قرآن کریم عقاید باطل و کردارهای بد را، مایه وارد شدن زیان به سرمایه‌های وجودی انسان معرفی می‌فرماید «وَمَنْ حَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ»؛ (اعراف/۹) و نقش اساسی ایمان و عملکرد انسان،

در رقم خوردن سرنوشت ابدی وی را به او گوشزد می‌فرماید: «فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (مومنون/۱۰۲)؛ از سویی اعمال انسان‌ها آینه تمام نمای باورها و عقاید آن‌ها می‌باشد که ملاک سنجش اعمال نیز به باورها بازمی‌گردد تا جایی که اعمال نیک در کنار باور درست و اعتقاد راسخ، ارزش می‌یابند که «الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ...» ملاک اعتماد و دلگرمی در اجتماع، باورهای صائب می‌باشد. قرآن کریم راجع به روحیه منفعت طلبی بشر می‌فرماید: «لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ»؛ (بقره/۲۶۴) در این راستا برای سود بردن از سرمایه‌های خویش در دنیا، نیازمند هدایت خداوند است. بدون هدایت وحی نمی‌توان از نعمت سرمایه استفاده بهینه کرد. یکی از نیازهای معنوی بشر خوب شدن و رسیدن به مقام بر و نیکی است. قرآن کریم می‌فرماید که انسان‌ها در راستای به دست آوردن سرمایه اجتماعی فردی معنوی خویش، باید از سرمایه‌های مادی خویش هزینه کرده و از آن بگذرد «لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ»؛ (آل عمران/۹۲).

۳-۲- سرمایه اجتماعی گروهی از نظر قرآن

خداوند متعال در قرآن کریم برای توصیف گروهی از انسان‌ها از واژه‌هایی همچون امام، امت، ناس، قوم، قبائل، فرقه و... استفاده کرده است که همگی ناظر به سرمایه‌ای اجتماعی هستند که در راستای هدفی خاص تشکیل شده‌اند. از جمله واژه‌هایی که دلالت بر سرمایه اجتماعی دارد واژه اهل یا خانواده به‌عنوان اولین اجتماعی است که انسان‌ها در آن قدم می‌نهند. خداوند متعال خانواده را به‌عنوان سرمایه اجتماعی مهمی مطرح می‌فرماید و راجع به اهل و خانواده و هدایت ایشان تأکید بسیاری کرده‌اند و از دست دادن آن‌ها در قیامت را یکی از اسباب خسارت معرفی می‌فرماید «فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ

مِنْ دُونِهِ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ (زمر/۱۵) که در این آیه مقصود از «أنفس» سرمایه‌های عمر و مراد از «أهل» خانواده می‌باشد. بر این اساس خسارت نفس، به معنای تباه ساختن و بهره کافی نگرفتن از سرمایه عمر و خسارت اهل به معنای از کف دادن حمایت خانواده و بهره نجستن از آنان می‌باشد.

خداوند متعال شرک‌ورزی به خدا را، مایه خسارت و از کف دادن سرمایه عمر آدمی و محرومیت از بهره‌های بایسته از خانواده در عرصه قیامت معرفی می‌فرماید. کسانی که این سرمایه را در قیامت از دست بدهند، از زیانکاران واقعی محسوب خواهند شد. با توجه به آیه فوق، سرمایه عمر و بهره از خانواده، سرمایه کمال و سعادت آدمی است. سرمایه‌های وجودی انسان، ارزشمندترین سرمایه‌هاست و تباه کردن سرمایه عمر و از کف دادن بهره از خانواده را، خسروانی روشن و تردیدناپذیر بیان می‌دارد. تشویق و ترغیب مردم از سوی خداوند به بهره گرفتن درست‌تر و هر چه بیشتر از سرمایه عمر خود و خانواده، در جهت کمالات معنوی و سعادت اخروی نگرش قرآن کریم به این سرمایه اجتماعی را می‌رساند. خداوند متعال راجع به حفظ این سرمایه اجتماعی عظیم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ؛ (تحریم/۶) و مسئولیت بزرگی را برای بشر معرفی می‌فرماید. توصیه خداوند به مؤمنان،

مبنی بر مراقبت از اعضای خانواده خود در برابر عوامل و موجبات بدبختی و دوزخی شدن آنان حاکی از اهمیت این سرمایه اجتماعی گروهی است و خیرخواهی برای اعضای خانواده و تربیت دینی آنان، تکلیفی بایسته بر عهده سرپرست و مدیر خانواده می‌باشد و نقشی سازنده و سرنوشت‌ساز، در حیات معنوی و تربیت دینی اعضای خانواده دارد.

اصلاح و تربیت دینی اعضای خانواده، زیر بنا و خشت اول اصلاحات در جامعه و سرمایه اجتماعی می‌باشد که از تقدیم دستور تربیت و اصلاح اعضای خانواده بر دستورات دیگری که در آیات بعد آمده می‌توان مطلب یاد شده را به دست آورد. پدران و نیاکان و محیط خانوادگی و اجتماعی، دارای نقشی مؤثر در باورهای هر نسل دارند «قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وُلْدًا. مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ»؛ (کهف/۴) ذکر «لِآبَائِهِمْ» اشاره به یکی از زمینه‌های اصلی گرایش‌ها و عقاید مردم عصر بعثت- که همان روحیه تقلید و دنباله‌روی از نیاکان است- دارد. از سویی دیگر برای اعضای خانواده نیز خداوند متعال مسئولیت‌هایی را بیان داشته است که از آن جمله احسان به پدر و مادر، از مهم‌ترین تکلیف‌های اجتماعی اهل ایمان است «لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا»؛ (بقره/۸۳). از آن جا که احسان به پدر و مادر پس از لزوم پرستش خدا بیان شده است، اهمیت خاص آن معلوم می‌شود. خداوند متعال از مسئولیت اجتماعی انسان‌ها یاد کرده و گناه یک فرد از جامعه را سبب عذاب تمام افراد آن گروه معرفی و علت آن را عدم مسئولیت‌پذیری آن‌ها معرفی می‌فرماید. احکامی مانند امر به معروف و نهی از منکر، جهاد و... مسئولیت‌های اجتماعی نسبت به سرمایه اجتماعی است و نسبت به رفتار اعضای گروه لزوم توجه دائمی به گذشت در روابط اجتماعی را گوشزد می‌فرماید «وَلَا تَنْسُوا الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ...» (بقره/۲۳۷).

۳-۳- سرمایه اجتماعی سازمانی از نظر قرآن

از تعالیم قرآن کریم در مورد کیفیت اداره سازمان‌های سیاسی، اقتصادی، خانواده، دینی و تعلیم و تربیت، که بر پایه نیازهای پنج‌گانه بشر ارائه گردیده است می‌توان، سرمایه اجتماعی را در این سازمان‌ها جستجو و تبیین نمود. قرآن کریم در مورد رسیدن به مقاصد و اهداف سازمان‌های مذکور، باید‌ها و نبایدهایی را وضع فرموده است که در

قالب مفهوم سرمایه اجتماعی قابل تحقق می‌باشند. قرآن کریم نقش شخصیت‌ها در رویدادهای تاریخی و اجتماعی را مهم دانسته و در مورد بنی‌اسرائیل می‌فرماید: «ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِهِ...» (نساء/۱۵۳) آوردن کلمه «مِنْ بَعْدِهِ» - که مراد از آن غیاب موسی است - به این نکته اشاره دارد که: تا موسی در میان بنی‌اسرائیل حضور داشت، آنان به شرک گرایش پیدا نکردند و این گویای نقش شخصیت‌ها در عدم انحراف سرمایه اجتماعی است. قرآن کریم بر ضرورت از میان بردن زمینه‌های بروز اختلافات اجتماعی تأکید کرده و با اشاره به تقسیم بنی‌اسرائیل به دوازده گروه برای استفاده از چشمه‌ها، این راهکار را بیان می‌فرماید «قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرِبَهُمْ...»؛ (اعراف/۱۶۰).

به نظر می‌رسد هدف از تقسیم آب و مشخص کردن هر چشمه به طایفه‌ای از بنی‌اسرائیل، جلوگیری از بروز اختلاف و تنازع بوده است. قرآن کریم از میزان قدرت سرمایه‌های اجتماعی تا جایی سخن می‌گوید که رهبران دینی را در خطر پیروی از تمایلات نفسانی گروه‌های مختلف اجتماعی معرفی می‌فرماید «وَلْتَنِ اتَّبِعْتَ أَهْوَاءَهُمْ... مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَ لَا نَصِيرٍ»؛ (بقره/۱۲۰) از طرفی دیگر وظیفه اعضای گروه‌های اجتماعی را بیان داشته و شرط تحقق رهبری و مدیریت سرمایه اجتماعی را در گروه وجود تمایل اجتماعی و زمینه پذیرش آن معرفی می‌فرماید «أَبْعَثْ لَنَا مَلَكًا يُقَاتِلْ...»؛ (بقره/۲۴۶) پیامبر بنی‌اسرائیل (اشمویل (ع)) قبل از درخواست مردم، کسی را به‌عنوان فرمانده ایشان معین نکرد؛ با آنکه ضرورت آن روشن بود؛ بنابراین پذیرش مردم، شرط اقدام رهبر الهی به این امور است.

ترغیب به خوش‌خُلُقی و مدارا و نکوهش از سنگدلی و خشونت، در برخوردهای اجتماعی از وظایف پیامبر به‌عنوان مدیر و رهبر سرمایه اجتماعی معرفی شده است «وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ...»؛ (آل عمران/۱۵۹).

گذشت از خطاکاران و طلب‌آمزش برای ایشان و مشورت در امور اجتماعی، وظیفه پیامبر (ص) نسبت به مسلمانان

«فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ» از مصادیق و نمونه‌هایی از خوی نیکوی پیامبر (ص) در راستای تحکیم سرمایه اجتماعی است و همچنین پذیرا شدن نقش مردم در تصمیم‌گیری‌های اجتماعی «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ»، از سویی وظیفه مسلمانان نیز در تحکیم سرمایه اجتماعی با انتخاب بهترین روش‌ها در جهت کاستن و یا زدودن دشمنی‌ها و تنش‌های اجتماعی بیان شده است که «ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ... كَأَنَّهُ وَكِيٌ حَمِيمٌ...»؛ (مومنون/۹۶) و مرجع حل اختلافات اجتماعی و اعتقادی را قرآن کریم معرفی فرموده است «وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ ... أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ»؛ (شوری/۱۶-۱۷) طرح حقانیت و میزان بودن قرآن، پس از ذکر اختلافات و مباحثات بی‌اساس مخالفان، می‌تواند ناظر به مطلب یاد شده باشد.

تشویق به عفو و گذشت، در جامعه در جهت تحکیم همبستگی اجتماعی و تقویت سرمایه اجتماعی است؛ نه حمایت از متجاوزان «فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ ... إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ»؛

شوری/۴۰ جمله «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ» ممکن است برای دفع این توهم باشد که ارزش نهادن به عفو و اغماض، به معنای حمایت خدا از ظالمان است. پاسخ این است که این توصیه برای پشتیبانی از ستمگران نیست؛ بلکه صرفاً برای رفع اختلافات و استحکام پیوندهای اجتماعی است. نیاز متقابل و ارتباط ناگسستنی انسان‌ها با یکدیگر در زندگی

اجتماعی سبب بروز سرمایه اجتماعی می‌گردد «و رَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا...» (زخرف/۳۲) همزیستی اجتماعی و مسالمت انگیز، کمترین انتظار دین از بشر می‌باشد. «فَاصْفَحْ عَنْهُمْ وَ قُلْ سَلَامٌ»؛ (زخرف/۸۹). لذا دین اسلام دین الهی، ناظر بر همه شئون زندگی و دربردارنده پیام‌های اجتماعی، سیاسی و معنوی می‌باشد. «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا»؛ (فتح/۲۹) که تعبیر «أَشِدَّاءُ...» ترسیم گر خط سیاسی، «رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ» بیانگر اخلاق اجتماعی و «تَرَاهُمْ رُكَّعًا...» بیانگر روح معنوی جامعه اسلامی و سرمایه اجتماعی اسلام است.

۳-۴- سرمایه اجتماعی منفی در قرآن کریم

قرآن کریم زندگانی انسان‌ها از آغاز آفرینش را، به صورت اجتماعی معرفی فرموده است. «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً»؛ (بقره/۲۱۳) «أُمَّةً» به معنای جماعتی است که دارای هدفی مشترک باشند و هماهنگی در هدف، تنها در زندگانی اجتماعی متصور است (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۸۶: ۵۲/۲). از این آیه همگونی اعتقادات و گرایش‌های انسان‌های نخستین قابل برداشت است. درباره «امت واحد» بودن انسان‌های نخستین، نظرهای گوناگونی ابراز شده است از جمله این که همه آن‌ها موافق فطرت و عقل خود عمل می‌کردند و آدم (ع) نیز یا چیزی فراتر از همان گونه معارف ارائه نکرد و یا به زودی متروک گردید و به مرور ایام، تفاوت درک‌ها و تضاد علاقه‌ها در زندگانی اجتماعی آن‌ها را به اختلاف کشاند (همان: ۵۳).

بروز اختلاف در زندگی اجتماعی انسان‌ها، امری طبیعی است و لذا فرموده است «لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ» جمله «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً»، یا به معنای وحدت رویه انسان‌های نخستین در زندگانی بر اساس عقل و فطرت است که در آن صورت

«اِخْتَلَفُوا»؛ یعنی، آنان پس از تشکیل جوامع و تضاد منافع، ناگزیر از مشاجره و اختلاف شدند و یا فعل «كَانَ» در آن برای ثبوت است؛ به این معنا که مردم امت واحده هستند؛ یعنی، همواره انسان‌ها، یک مجموعه مرتبط با یکدیگرند که تضاد منافع، آنان را به اختلاف می‌کشاند، در هر دو صورت پیدایش اختلاف بین انسان‌ها و نیاز به راه‌حل، لازمه زندگی انسان‌ها است. قوانین حل اختلاف پس از ابلاغ به مردم به وسیله پیامبران، دستخوش اختلافی جدید از سوی پیروان آنان شد. «لِيَحْكُمَ ... وَ مَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ» تعبیر «مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ» گویای آن است که اختلاف عالمان دینی غیر از اختلافی بود که بعثت پیامبران را در پی داشت. بنابراین، مراحل مطرح شده در آیه عبارت‌اند از:

- ۱- یکنواختی رفتار انسان‌های نخستین؛ ۲- مشاجره آنان در امور زندگی اجتماعی؛
- ۳- بعثت انبیا برای حل اختلافات؛ ۴- پیدایش اختلافات دینی و مذهبی بین پیروان انبیا (همان، ۵۶/۲) که همگی موارد فوق در قالب اجتماع مطرح بوده و مانع شکل‌گیری سرمایه اجتماعی می‌باشد. علاوه بر موارد فوق آموزه‌هایی از قرآن کریم قابل برداشت است که ناظر به رویکرد آیات الهی به سرمایه اجتماعی و تحکیم آن می‌باشد از آن جمله:

۱۷۴ **مشارکت:** قرآن کریم و دین مبین اسلام برای اجتماع اهمیت به سزایی قائل است بر مسلمانان لازم است برای تعیین سرنوشت اجتماعی خود، مشارکت سیاسی داشته باشند و زیرا گام اول برای زندگی اجتماعی صحیح انتخاب افرادی صالح، با تقوا و کاردان برای اداره امور جامعه و کشور می‌باشد چراکه بی‌تفاوتی به این امور باعث حاکمیت اشرار و بدان و کم‌رنگ شدن ارزش‌های دینی و رواج ظلم و فساد خواهد شد. تاریخ

اسلام سابقه تلخ چنین بی توجهی را چشیده است که تا کنون اثرات مخرب و زیان بار و به دور از وجدان و عقل آن را هر روز در جنبه های مختلف زندگی مسلمین شاهد می باشیم.

اتحاد و همبستگی: وحدت و اجتماع بر گرد محور دین و پیشوای دادگر در اسلام اهمیت ویژه ای دارد، حتی نماز که نماد عبادت است ترجیحاً یا لزوماً به جماعت گزارده می شود، چنان که نماز عید فطر و قربان (در عصر غیبت) و نمازهای واجب یومیه ترجیحاً و نماز جمعه لزوماً به جماعت گزارده می شوند. قرآن می فرماید: به ریسمان خدا چنگ بزنید و پراکنده نشوید (آل عمران/۱۰۳) رسول خدا (ص) می فرماید: شیطان گرگ انسان است، چنانکه گرگ همواره گوسفندان وامانده و دور افتاده از گله را می درد، پس از دسته بندی های (سیاسی و فرقه ای) بپرهیزید و بر شما باد به شرکت در جماعت و مجالس عمومی و حضور در مساجد (سیوطی، ۱۴۰۱: ۱/۳۰۹).

نهی از قهر و دشمنی: رسول خدا (ص) فرمودند: برای مسلمانان جایز نیست بیش از سه روز از برادر مسلمان خود قهر کند (شیخ صدوق، ۱۴۰۳: ۱۸۳)؛ همچنین فرمودند: دشمن یکدیگر نشوید و حسد و کینه نورزید و از یکدیگر روی نگردانید. ای بندگان خدا؛ با هم برادر باشید. جایز نیست برای مسلمان بیش از سه شب با برادر دینی خود قهر باشد (طبرسی، ۱۴۰۸: ۹۷/۹).

۱۷۵

امنیت عمومی و دوری از هرج و مرج: حفظ امنیت عمومی مردم و مبارزه با هرج و مرج از وظایف مهم حکومت اسلامی است تا اختلال نظام که از مفاسد بزرگ است پیش نیاید. امام رضا (ع) یکی از ابعاد امامت را به سامان آمدن نظام مسلمانان، صلاح دنیا و عزت مؤمنان دانسته است (کلینی، ۱۳۶۵: ۱/۲۰۰).

قیام در برابر ظلم: شایسته است مسلمانان ضد ستم قیام کنند و این از مهم‌ترین آموزه‌های دینی به شمار می‌آید و قیام سالار شهیدان تاریخ بشر، حضرت امام حسین (ع) در برابر ستم امویان ناپاک از نمونه‌های بارز آن است. آن حضرت در این باره خطاب به امت اسلامی چنین فرمود: آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل خودداری نمی‌گردد؟ در چنین شرایطی سزاوار است که مؤمن از جان‌ش بگذرد و به دیدار پروردگارش بشتابد (ابن شعبه حرانی، ۱۳۶۵: ۲۴۵).

امر به معروف و نهی از منکر: امر به معروف و نهی از منکر از اصلی‌ترین ارزش‌ها دینی است. به نقل قرآن کریم حضرت ختمی مرتبت (ص) در کتاب‌های تورات و انجیل به امر کننده به معروف و نهی کننده از منکر معرفی شده است (اعراف/۱۵۷)؛ و نیز لقمان به فرزندش فرمود: فرزندم نماز را به پادار و به کار شایسته - که دین و خرد آن را به نیکی می‌شناسند - فرمان ده و از کار ناشایست نهی کن (لقمان/۱۷).

برخورد با بدعت‌گذاران: مبارزه جدی با بدعت‌گذاری از وظایف دانشمندان و از عبادت‌های مهم شمرده شده می‌شود. خداوند به پیامبر (ص) فرمان می‌دهد که این‌گونه به مبارزه با بدعت‌گذاران برخیز: بگو: در آنچه به من وحی شده است، طعام حرامی را نمی‌یابم که بر خورنده‌ای که آن را می‌خورد حرام شده باشد. مگر اینکه مردار باشد یا خونی ریخته شده یا گوشت خوک باشد که پلید است... (انعام/۱۴۵) در روایات

۱۷۶

شیوه‌هایی برای مبارزه با بدعت و بدعت‌گذاری توصیه شده است: دوری و اعراض؛ براءت و نفرت؛ سب و لعن؛ روشنگری و افشاگری و تهدید و ارعاب. امام صادق (ع) با اهل بدعت همراهی و هم‌نشینی نکنید که نزد مردم یکی از آن‌ها به شمار می‌آیید،

زیرا رسول خدا (ص) فرمودند: انسان بر دین دوست و هم‌نشین خود است (کلینی، ۱۳۶۵: ۳۷۵/۲).

از تمام نمونه‌هایی که ذکر شد، آشکارا اهمیت مسائل اجتماعی به‌عنوان سرمایه‌ای عظیم یاد شده مشخص شد تا جایی که جهاد و مبارزه در صدر اسلام از بزرگ‌ترین فرایض شمرده می‌شده است که اگر اعتماد و اتکال به خداوند باشد یک نفر در مقابل ده نفر شمرده می‌شود. این سرمایه عظیم اگر در راستای اهداف دینی به کار گرفته شود بزرگ‌ترین اهرم موفقیت و اگر در خلاف جهت دین قرار گیرد بزرگ‌ترین خطر است.

۴- ویژگی‌های سرمایه اجتماعی قرآن

۱. در سرمایه اجتماعی از دیدگاه اسلام بهره‌گیری از این نعمت و ثروت عظیم همواره سفارش شده است ولی آنچه در دیدگاه قرآن مهم جلوه می‌نماید محوریت قرار گرفتن موجودی ماورای تمام هستی یعنی ذات اقدس الهی است که در سایه خالق متعال و با عمل کردن به دستورات و تعالیم الهی این انسجام شکل می‌گیرد.
۲. محور تمام فعالیت‌ها در سرمایه اجتماعی از نظر قرآن، خداوند متعال است و کسب رضایت اوست.
۳. سرمایه اجتماعی از نظر علمی محدود به منافع اقتصادی و سیاسی و اجتماعی و... است که در قالب سازمان‌های مختلف با توجه به اهداف بلندمدت و کوتاه مدت به آن‌ها پرداخته می‌شود ولی سرمایه اجتماعی از دیدگاه قرآن زمینه سعادت و رسیدن به اهداف غایی بشریت بوده و فراتر از دنیای مادی می‌باشد.
۴. سفارش قرآن، به مسائلی مانند مشورت‌گیری در کارها، جهاد، جماعت، حج و مسائل مختلف دیگر در راستای توجه داشتن قرآن به سرمایه اجتماعی است

تا جایی که دست قدرت الهی همراه با اجتماع معرفی شده است (طوسی، ۱۴۱۴: ۲۶۸/۱).

۵. از نظر قرآن کریم، ورود به این سرمایه عظیم و داخل شدن به آن باید آگاهانه صورت گیرد (یوسف/۱۰۸) و لذا پذیرش اصول دین تقلیدی نیست ولی پس از اینکه به صورت آگاهانه و اختیاری به این سیل عظیم داخل شد، خروج از آن پذیرفته نخواهد بود و در قالب مسائلی چون ارتداد قرار خواهد گرفت و احکامی بر آن مترتب خواهد شد. برخلاف بسیاری از سرمایه‌های اجتماعی که امروزه در دنیا وجود دارد و گاهی اعضای آن از ماهیت و کیفیت و اهداف آن ناآگاه بوده و تنها به دلیل هم‌رنگ جماعت بودن در این مسیر واقع شده‌اند.

۶. در فرهنگ قرآنی، ملاک حقانیت و نجات بخش بودن سرمایه اجتماعی، از رهبران مشخص می‌گردد. ولی در دنیای مادی رهبران از مردم عادی می‌باشند که گاهی راه به خطا می‌برند و این سرمایه عظیم را یا به هدر می‌دهند و یا اینکه در جهت منافع دیگران به کار می‌بندند. در قرآن کریم به کسانی که از این سرمایه و ثروت عظیم اجتماعی در جهت مقاصد سودجویانه خود استفاده سوء نموده و انسان‌ها را به بیراهه بکشاند هشدار داده است که هم وزر و وبال خود را در قیامت تحمل خواهند کرد و هم وزر و وبال تمام انسان‌هایی را که از اعتماد ایشان سوء استفاده نموده‌اند (نحل/۲۵).

۷. تمام افراد عضو در سرمایه اجتماعی علمی مسئول مراعات و تلاش برای رسیدن به اهداف سازمان می‌باشند که عمده اهداف سازمان‌ها از دیدگاه علم، رسیدن به رفاه مادی در این دنیاست ولی قرآن کریم اهداف سرمایه اجتماعی را محدود به این دنیا نمی‌داند. لذا گاهی تمام سعادت و رفاه از حیثه مادیات خارج شده و ثمرات حرکات اجتماعی که در قالب سرمایه اجتماعی صورت می‌گیرد مربوط به آخرت است مانند جهاد که اجر شهید تماماً مربوط به آخرت است و او از مادیات منقطع خواهد شد.

۸. اعتماد به سرمایه اجتماعی از دیدگاه قرآن فقط به کسانی که در آن عضو می‌باشند خلاصه نمی‌شود بلکه کسانی که در خارج از سرمایه اجتماعی نیز حضور دارند باید بر اساس قوانین آن‌ها عمل نمایند. لذا در دین اسلام قوانینی برای اهل کتاب که در دایره سرمایه عظیم اجتماعی مسلمانان نیستند وضع شده است.

۹. دیدگاه نهادی که بر پایه برآوردن نیازها است در مورد سرمایه اجتماعی قرآنی نیز مطرح است لذا یکی از نیازهای بشریت نیاز به دین است که برای برآوردن آن نیازمند تشکیلات عظیمی هستیم که همان ثروت و سرمایه اجتماعی می‌باشد.

۱۰. در سرمایه اجتماعی علاوه بر ارتباطات افقی که بین اعضای سازمان وجود دارد ارتباطاتی عمودی نیز بسیار مهم است. شیوه انتخاب رهبران و پیشوایان سازمان دین، باعث جلب اعتماد بیشتر و مسئولیت‌پذیری بیشتری در بین اعضای سازمان خواهد شد و اگر این اعتماد نباشد تمام مسائل دینی زیر سؤال خواهند رفت زیرا بسیاری از تعالیم الهی در قالب تعبد گنجانیده شده است. اعتقاد، زیربنای سرمایه اجتماعی قرآن است و اگر اعتقاد راسخ و محکم نباشد این سرمایه کارایی کاملی نخواهد داشت.

۱۱. یکی از عوامل تشکیل سرمایه اجتماعی، توجه به ارزش‌هاست. ارزش‌ها از دیدگاه قرآن به مسائل دنیوی محدود نمی‌شود و ممکن است بر خلاف تصوراتی که مادیون دارند، جلوه نماید ولی در حقیقت آنچه از نظر قرآن، ارزش است تبعیت و سر تعظیم به حقایق دین نهادن است.

۱۲. از نظر قرآن، آنچه مسیر سرمایه اجتماعی را مشخص می‌نماید وحی است و تعالیم آسمانی؛ یعنی علاوه بر ابزار معرفتی که دنیای مادی از آن بهره می‌جوید سرمایه اجتماعی اسلام ورای این ابزار از نعمت بزرگ و سرنوشت سازی به

نام وحی برخوردار است که نه عقل و نه تجربه و نه هیچ ابزار دیگری را یارای برابری با آن نیست. لذا ما زمانی به سرمایه اجتماعی واقعی دست خواهیم یافت که از وحی استفاده برده و با جهد و تلاش مسیر سرنوشت‌ساز و غایی سرمایه اجتماعی را به دست آوریم.

نتیجه

قرآن کریم نسبت به سرمایه اجتماعی به عنوان ابزاری مهم برای رسیدن به اهداف متعالی الهی توجه ویژه دارد. از آنجایی که ریشه و اساس سرمایه اجتماعی در ارتباطات و مشارکت خلاصه می‌شود، قرآن کریم، اولین گام برای ساماندهی آن را، از تغییر، تحول و اصلاح عقاید و باورداشتهای بشر که طبعاً کشتی به سمت اجتماعی زیستن دارند، می‌داند. آنچه سرمایه اجتماعی را در رسیدن به اهداف یاری می‌رساند، باورها و عقاید اعضای آن است. مفاهیمی مانند اعتماد، صداقت، حسن تفاهم، سلامتی نفس، همدردی، همبستگی و... که همگی در استحکام و کارایی سرمایه اجتماعی نقشی عظیم ایفا می‌کنند، در قالب اعتقاد و باور به اصول دین قابل تحقق است. قرآن کریم سیمای اخلاقی و رفتاری انسان را در چهار حوزه اخلاق و رفتار فردی، اخلاق و رفتار اجتماعی، اخلاق و رفتار خانوادگی، اخلاق و رفتار سازمانی معرفی می‌فرماید که همگی در چارچوب سرمایه اجتماعی قابل تحقق خواهد بود. رفتار انسان بازتاب ذهنیت و باورهای او بوده و ملاک اعتماد و دلگرمی به سرمایه اجتماعی، باورها و اعتقادات صائب می‌باشد. دستورات خداوند متعال در مورد اخلاق و رفتار اجتماعی و خانوادگی، تحت عنوان واژه‌های همچون قوم، اهل، فرقه، ناس و ... ناظر به تأکید بر سرمایه اجتماعی گروهی در قرآن کریم است. در حیطه اخلاق و رفتار سازمانی، تعالیم الهی در زمینه حکومت و رهبری جامعه و نقش ایشان در تشکیل و کارایی سرمایه اجتماعی و همچنین داعیه جامعیت و جهانی بودن آموزه‌های قرآن، مطرح می‌شود.

منابع

قرآن کریم.

- ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ ق)، تحف العقول عن آل رسول، تصحیح علی اکبر غفاری، چاپ دوم، موسسه انتشارات اسلامی.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳)، توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران، نشر نی، تهران.
- اکبری، امین (۱۳۸۳)، نقش سرمایه‌ی اجتماعی در مشارکت: بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر مشارکت سیاسی، اجتماعی (مطالعه موردی روستای فارسینج از توابع سقز) دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- بیکر، واین (۱۳۸۲)، مدیریت و سرمایه اجتماعی، ترجمه دکتر سیدمهدی الوانی، سیدمحمدرضاریبیعی، انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنتهای مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران، انتشارات سلام، چاپ اول.
- پیراهری، نیر (۱۳۸۸)، سرمایه اجتماعی در نظریات جدید، پژوهشنامه علوم اجتماعی، پاییز، سال سوم، شماره سوم.
- تاجیبخش، کیان (۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، شیرازه.

توسلی، غلامعباس و موسوی، مرضیه (۱۳۸۴)، مفهوم سرمایه در نظریات کلاسیک و جدید با تأکید بر نظریه های سرمایه اجتماعی، نشریه نامه علوم اجتماعی، دوره ۲۶ شماره ۲۶، دیماظ.

توسلی، غلامعباس (۱۳۸۴)، سرمایه ی اجتماعی، ثروت نامرئی، نشریه حیات نو اقتصادی.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، مفاتیح الحیات، انتشارات اسراء.

دیرکس، هانس (۱۳۹۱)، انسان شناسی فلسفی، ترجمه: محمدرضا بهشتی، انتشارات هرمس.

دینی ترکمانی، علی (۱۳۸۶)، تبیین افول سرمایه اجتماعی، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره ۲۳.

سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۱ ق)، الجامع الصغیر فی احایث البشیر و النذیر، بیروت، دارالفکر.

شارع پور، محمود (۱۳۷۹)، نقد و بررسی کتاب پایان نظم، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره مهر و آبان.

شاه حسینی، ماهرو (۱۳۸۳)، مطالعه و بررسی تاثیر سرمایه ی اجتماعی در عملکرد انجمن های اعتبار گردشی زنان در تهران، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد علوم و تحقیقات).

صدوق، محمد بن علی بن بابویه قمی (۱۴۰۳ ق)، الخصال، تصحیح: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، انتشارات جامعه مدرسین.